

اهدای جنین

بحث در ادله حرمت تکلیفی باردار شدن زن با نطفه اجنبی بود. ما برای حرمت به آیه سوره نور تمسک کردیم و مفاد آن را امر به حفظ فرج از هر آنچه مناسب با آن است دانستیم که استیلا حتماً از امور مناسب با فرج است.

برخی برای اثبات حرمت به آیه شریفه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّن الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» (النساء ۲۳ و ۲۴) تمسک کرده‌اند به این بیان که اسناد حرمت به عین و حذف متعلق افاده عموم می‌کند و مفاد آن منع از همه امور مناسب مثل نکاح و استمتاع و استیلا است.

اما به نظر ما این آیه به قرینه جمع بین اختین مخصوص نکاح است و نسبت به سایر امور اطلاق یا عموم ندارد.

دلیل دیگری که برای حرمت به آن استدلال شده است تمسک به برخی روایات است که ما اگر چه قبلاً دلالت آنها را نپذیرفتیم اما الان مردود شده‌ایم و دلالت برخی از آنها به نظر ما بعید به نظر نمی‌رسد.

اولین روایت، خبر علی بن سالم است.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقْرَ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۵۴۱)

البته در محاسن روایت از عثمان بن عیسی عن سالم نقل شده است که با توجه به سایر منابع اصلی که روایت در آنها مذکور است (کافی، ثواب الاعمال) اشتباه است و صحیح همان علی بن سالم است.

سند روایت تا قبل از علی بن سالم معتبر است اما علی بن سالم توثیق صریح ندارد و باید دید علی بن سالم کیست؟ آیا او همان علی بن ابی حمزه بطائی است؟ چون اسم ابی حمزه، سالم است یا شخص دیگری است؟ اگر علی بن سالم را همان علی بن ابی حمزه بدانیم باید وثاقت علی بن ابی حمزه را بررسی کرد و از نظر ما وثاقت او قبل از انحرافش بعید نیست هر چند بعد از انحراف و ثاقتش مشکوک است (البته نمی‌توان در مورد همه سران واقفه این مطلب را گفت چرا شاید برخی از آنها در اثر شبهه به چنین چیزی معتقد شده باشند نه بر اساس تعمد کذب) اما از آنجا که طبقه اول واقفه و بنیانگذاران آن به قدری در بین شیعه منفور شدند که هیچ کس از آنها نقل روایت نمی‌کرد، نقل اصحاب از آنها قبل از انحراف بوده است و در

این روایت اگر چه عثمان بن عیسی هم از سران واقفه است (هر چند توبه او محتمل است) اما ابراهیم بن هاشم که از اجلاء اصحاب است، حتما بعد از انحراف از عثمان بن عیسی نقل روایت نکرده است و این نقل قبل از انحراف او بوده که طبیعتاً قبل از انحراف علی بن ابی حمزه هم خواهد بود. در هر حال از نظر ما اتحاد علی بن سالم با علی بن ابی حمزه بطائنی بعید نیست.

و اگر او را کسی غیر از علی بن ابی حمزه بدانیم، بر اساس برخی قرائن توثیق او ممکن است از جمله نقل عثمان بن عیسی و یونس بن عبدالرحمن و ابن ابی عمیر از او. هم چنین بر اساس قاعده‌ای که ما به آن معتقدیم که اطلاق توثیق نجاشی و عدم استدراک نقل از ضعفاء و مجاهیل، توثیق مشایخ او نیز هست، توثیق نجاشی در حق این افراد، توثیق او هم هست می‌توان او را ثقه دانست.

بنابراین سند روایت از نظر ما معتبر است و متن روایت هم وعید بر عذاب در روز قیامت است که حتما بر حرمت دلالت دارد.

مرحوم صاحب وسائل این روایت را در باب «بَابُ تَحْرِيمِ الْإِنزَالِ فِي فَرْجِ الْمَرْأَةِ الْمُحَرَّمَةِ وَوُجُوبِ الْعَزْلِ فِي الرَّثَا» ذکر کرده است که یعنی یکی از محرمات، انزال در زناست. اگر مراد ایشان این باشد که روایت مختص به فرض زناست، و شامل غیر آن نیست، فهم ایشان است و برای ما اعتباری ندارد.

در هر حال مفاد روایت حرمت قرار دادن نطفه در رحم زنی است که وطی او حرام است و در محل بحث ما نیز این چنین است. پس هر جایی جماع با زنی برای کسی حرام باشد، قرار دادن نطفه در رحم او نیز برای آن فرد حرام است و روایت اطلاق دارد یعنی قرار دادن نطفه حرام است هر چند به غیر جماع مثل تلقیح مصنوعی باشد. درست است که در این روایت عنوان «رجل» آمده است اما بر اساس قاعده‌ای که ما گفتیم که هر جا عنوان «رجل» موضوع برای حکم خودش قرار گرفته باشد، از آن الغای خصوصیت می‌شود روایت حکم زن را نیز بیان می‌کند. درست است که زن نطفه ندارد تا آن را در رحم قرار بدهد اما مفاد روایت بعد از الغای خصوصیت از «رجل» این است که کاری که برای مرد حرام است برای زن هم حرام است و کاری که بر مرد حرام بود قرار دادن نطفه‌اش در رحم زن است پس برای زن هم قرار دادن نطفه مرد در رحمش حرام است.

درست است که یکی از صور محل بحث ما جایی است که اسپرم مرد و تخمک زن در خارج از رحم تلقیح شوند و بعد در رحم زن قرار داده شوند اما همین صورت هم مشمول روایت است چون نطفه به معنای اسپرم نیست بلکه نطفه به معنای «ماء قلیل و اندک» است و در روایات همان طور که بر خود منی مرد (نه اسپرم) اطلاق می‌شود به حاصل از لقاح اسپرم و تخمک هم اطلاق می‌شود و بر اساس این روایت قرار دادن همان جنین حاصل شده از لقاح که نطفه بر آن صادق است در رحم زن حرام خواهد بود.